

Stockphoto.ir



موانع و مقتضیات اصلی تربیت

مدرس : محمدزاده



به نام خالق پیدا و پنهان/که پیدا و نهان داند به یکسان

مطلبی رو که من میخوام خدمت شما عزیزان ارائه بدم در مورد موانع و مقتضیات اصلی تربیت است که این موضوع از دیدگاه نهج البلاغه و دکتر دلشاد تهرانی شرح نمایم .

دکتر دلشاد تهرانی در ابتدای سخنان خود در 57 امین نشست علمی عرض کردند که {موانع و مقتضیات تربیت} تنها بخشی معطوف به یک مسئله کهن اما زنده است و تقریباً همه ی ما درگیر آن هستیم.

این سوال برای مسئولان وجود درد چرا با وجود رنامه ریزی های دقیق و تلاش و زحمت فراوان در یک حوزه تربیت بیشتر اوقات به نتیجه مطلوب نمیرسیم؟

- وی افزود: پاسخ به این سوال این است که نمی شود یک نهاد مستقل مثلاً خانواده را به تنهایی برای تربیت فرزندان کافی دانست.
- اقتصاد/سیاست/جامعه/رسانه ها/مدیریت و عوامل دیگری مانند ظروف مرتبطه به هم مربوطند. یعنی تا اقتصاد/سیاست/مدیریت/جامعه و... درست نشود خانواده و تربیت فرزندان هم درست نمی شود. دو بحث مهم در تربیت همین موانع و مقتضیات تربیت است و حاصل آن این است که تصور نشود تربیت وابسته به یک حوزه است و نباید پیچیدگی های تربیت را نادیده بگیریم. اگر این مجموعه و ظروف مرتبطه درست نباشد تربیت هم صالح نمی شود

باتوجه به گفته ی دکتر دلشاد تهرانی پرداختن به زمینه تربیت و فراهم کردن مزرع درست آن از عمده ترین مباحث و امور تربیتی است.

زیرا تربیت امری صرفاً فردی نیست و همانطور که گفتیم به امور دیگری نیز بستگی دارد. که شناخت این امور و توجه به آنها در تربیت نقش اعدادی را ایفا می کند.

و در این صورت است که زمینه سازی در امر تربیت به سمت مطلوب سیر می نماید و نتیجه بخش خواهد بود

فعل تربیت با رفع موانع و ایجاد مقتضیات به عنوان
زمینه تربیت سامان می یابد.

وی همچنین افزود: در دیدگاه حضرت علی
(ع) سیاست/حکومت/اقتصاد/ارتباطات و جامعه همه
برای تربیت انسان اند این استاد نهج البلاغه در ادامه
صحبت هایش به این موضوع اشاره می کند که در
بحث موانع و مقتضیات اصلی تربیت حضرت
علی (ع) به 5 نکته توجه داشته است که تربیت به عوامل
مدیریتی/فردی/اجتماعی/سیاسی/اقتصادی بستگی دارد
تا انسانها در این 6 بعد اوضاع مطلوبی نداشته باشند
تربیت مطلوب نیز حاصل نمی شود

با دقت در موانع و مقتضیات تربیت در می یابیم که یک مانع به عنوان مانع اصلی مطرح است و با رفع آن مانع مقتضی اصلی (سیرکمالی) و (عروج انسانی) فراهم می شود این مانع (دنیا) است و این مقتضی (ترک دنیا) است دنیا در معنای مذموم و پست آن صفت فعل ادمی است که تعلقات نفسانی و آرزوهای پست حیوانی است و تا انسان از اسارت این دنیا آزاد نشود پرواز به سوی مقصد توحید میسر نمی شود. خداوند متعال در آیه ی 23 سوره ی یونس می فرماید: ای مردم ستم و سرکشی شما تنها به زیان خودتان است که سبب آن بهروری کوتاه از زندگی دنیایی است.

حقیقت این است که جز به وسیله دنیا معصیتی صورت
نمیبرد و جز با ترک کمالی حاصل نمی شود

امام خمینی(ره) درباره ی دنیا و آخرت می
فرماید: {انسان دارای دو دنیا است: یکی مذموم و دیگری
ممدوح است، اینکه دنیا را محل تربیت انسانی می داند
بدین معنی دنیا مذمتی ندارد آنچه مذموم است دنیای
خود آن است، به معنی روی آوردن قلب به طبیعت و
دل بستگی و محبت آن است که منشأ تمام مفسد و
خطاهای قلبی و قالبی است و هرچه دل بستگی به آن
زیادتر باشد، حجاب بین انسان و حق بیشتر می شود}

حضرت علی (ع) دنیا را با آثار و صفاتی معرفی میکند
که گاه جنبه منفی دارند، مانند:

1: دنیا انسان را مغرور می کند

2: به او ضرر می رساند و همچون مارسمی لطیف

3: آب شور دریا که نوشنده را نه تنها سیراب، بلکه تشنه
تر می کند

4: در شهوت ها و خواهش های نفسانی پوشیده شده

5: بسیار فریبنده و زیان رساننده است

{و زندگی دنیایی چیزی جز لُهو و لعب نیست}

در تفسیر این آیه می توان گفت لُهو چیزی است که آدمی را از مهماتش باز می دارد و لعب عبارت است: از سرگرمی. دنیا انسان را از اموری که برای آن آفریده شده است باز می دارد و آدمی سرگرم سرگرم امور غیر واقعی میکند. و به درستی که زندگی دنیایی چیزی جز کالای فریب نیست. باید توجه داشت که این دنیا دنیای خود انسان است نه عالم که جلوه ی حق است این دنیا آمال آدمی است که تارهایی از آن حاصل نشود تربیت حقیقی فراهم نمی شود که در این بحث خلاصه ای از سخن گهربار امام خمینی (ره) را خدمتتان عرض می نمایم.

ایشان در این باره می فرماید: تا انسان به آمال خود پشت
نکند جلو نمی رود. دنیا تکذیب شده است و عالم طبیعت
تکذیب نشده است خودا شما وقتی توجه به نفس خود
دارید خودتان دنیا یید دنیا ی هر کس آن است که در
خودش است، اما شمش و قمر هیچ یک تکذیب نشده
است. چون اینها همگی مظاهر خداست. همچنین امام
خمینی می فرماید: حب دنیا مبدأ همه چیز است. حب دنیا
گاهی تا آنجا پیش می رود که اگر موحد نیز باشد اگر
اعتقادش این باشد که خداوند دنیا را از او گرفته است در
قلبش کدورتی حاصل می شود. پس علاقه را تا آنجایی
که می توانید از بین ببرید چون آنچه که انسان را
گرفتار می کند این علاقه است

این چنین نیست که بتوان در عین وابستگی به دنیا گام موثر در تربیت گذاشت بنابراین باید دیده از پستی هافرو بست. دنیا و آخرت دو نقطه مقابل یکدیگر هستند و نزدیکی به یکی باعث دوری از دیگری می شود همانطور که امیر المؤمنان می فرماید: دنیا و آخرت هر دو دشمن یکدیگرند و چون خاور و باخترند که آن دو چون به یکی نزدیک گردد از دیگری دور شود. بنابراین برای فراهم کردن مقتضی اصلی تربیت باید به دنیا زاهدانه نگریست و در عین کار و تلاش و مبارزه بدان دل نبست.

دنيا طلبی یکی از مهم ترین گرفتاری های بشر کنونی است. چنانکه در حدیث شریف آمده است که دوستی دنیا منشأ هر گناهی است. خصوصیت به چیزی این است که انسان را نسبت به باقی امور بی التفات می کند {فان حب الدنيا یعمی و یصم و یبکم یذل/ به همین دلیل قلبی که از محبت دنیا مالا مال شده است نسبت به امور دین و آخرت گنگ و کور و کر خواهد شد} یکی از دلایل اقبال به دنیا، فراموشی آخرت، مرگ، قیامت، خداوند است. آنان که از ظواهر دنیا عبور کرده اند و باطن آن را دیده اند به آن دل نمی بندند و خود را وابسته آن نمی کنند چون چراغ عقل فطری شان روشن است و از اسارت هوی و هوس خود را آزاد کرده اند به آن میزان که انسان به گرایش های پست و بازدارنده پشت می کند و پیش می رود استعدادهای الهی اش شکوفا میشود و به حقیقت خویش دست می یابد. هر که به خودبینی و خودخواهی خویش پشت کند و به رسول و خدایش روی نماید به بهترین امکان تربیت دست می یابد

بنابر تعلیمات امیرالمومنین علی(ع) سخت ترین مانع تربیت حقیقی انسان دنیای نکو هیده هست که راه انسان به سوی کمالات والای انسانی جز با گسستن از ان هموار نمی شود. باید انسان بیاموزد که با هر امری از امورین عالم نسبتی اخروی برقرار کند و نه نسبت دنیایی. خداوند متعال می فرماید: {و هر که از خانه خویش حجرت کنان به سوی خدا و پیامبرش بیرون آید سپس مرگ او را دریابد همانا پاداشش بر خدا باشد} هر که به خودبینی و خودخواهی پشت کند و به خدا و رسولش روی نماید به بهترین امکان تربیت دست می یابد بدین ترتیب والاترین مقتضی تربیت خروج از مرتبه طبیعت و پشت کردن به خواسته نفس و روی کردن به خدا با متابعت از رسول اکرم (ص) و اوصیای ان حضرت است. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته